

The Status of the Teacher in Complexity Theory and Islam with an Emphasis on Political Education

Abdul Majeed Foruzeshfard¹ , Alireza Faghihi² , Mohammad Seifi³

¹ Department of philosophy of education, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. am.foruzesh@gmail.com

² Department of Philosophy of Education, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran (**Corresponding author**). faghihi.alireza@yahoo.com

³ Department of Philosophy of Education, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. seifiarak@gmail.com

Abstract

The teacher is the foundation of socio-political sustainability in human societies. A society is sustainable when social justice in the distribution of services—especially education—is established, and a capable educational system exists to transmit awareness about social sustainability from one generation to the next. The agent of this transmission within the complex educational system is the teacher, who is, in this system, a complex entity in and of themselves. Thus, complexity theory, by embracing the principle of self-organization, emphasizes the self-awareness of teachers. From the perspective of all philosophical schools and heavenly religions—particularly Islam—education and upbringing, for which the teacher is the primary agent, are regarded as sacred endeavors. Based on this, the present research aims to: 1. Explain the characteristics of an effective teacher from the perspective of complexity theory; 2. Elucidate some characteristics of the *mu'allim khayr* (benevolent teacher) and their status from the standpoint of Islam; 3. Clarify the role of the effective teacher and the *mu'allim khayr* in political education and social transformations; 4. Define the nature of political education. This study is comparative in nature and is categorized within qualitative research. The findings indicate that the characteristics of an effective teacher from the perspective of complexity include: co-constructing meaning, teaching through iterative processes, the “do–critique–redo” cycle, and the necessity of familiarity with contemporary educational theories, among others. The characteristics of the *mu'allim khayr* in Islam include: maintaining balance and moderation in learning, being wise, religious, refined and kind, committed to dialogic and participatory teaching, continuous consultation, and more. The commonalities between the two perspectives regarding the teacher's characteristics include: interest in the teaching profession, oversight of the observance of academic etiquette, problem-solving-based teaching in complexity theory, passion for teaching, guidance and supervision of learning, and problem-centered thinking and practice from the Islamic viewpoint. The differences between the two views in terms of the teacher's characteristics in Islam include: acting with divine intent (*niyyah*), humility, and having complete centrality in instruction. The distinctions from the complexity theory perspective include: assuming a central role in education without authoritarianism or superiority, understanding the complexity of students' personalities, and attention to diverse learning styles.

Keywords: Complexity Theory, Self-Organization, Teacher, Political Education, Education and Upbringing.

Received: 2024-09-11 ; Received in revised form: 2024-10-31 ; Accepted: 2024-11-27 ; Published online: 2024-12-23

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2018265.2169>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



جایگاه معلم در نظریه پیچیدگی و اسلام با تاکید بر تربیت سیاسی

عبدالمجید فروزش فرد^۱، علیرضا فقیهی^۲، محمد سیفی^۳

^۱ گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. am.foruzesh@gmail.com

^۲ گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول). faghiihialireza@yahoo.com

^۳ گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. seifiarak@gmail.com

چکیده

معلم زیر بنای پایداری اجتماعی- سیاسی در جوامع انسانی است. اجتماعی پایدار است که در آن عدالت اجتماعی در توزیع خدمات، خصوصاً آموزش برقرار بوده و سیستم آموزشی توانمند برای انتقال آگاهی درباره پایداری اجتماعی از نسلی به نسل دیگر وجود داشته باشد. عامل انتقال این آگاهی در سیستم آموزشی پیچیده معلم می‌باشد که در این سیستم آموزشی خود معلم نیز عنصری پیچیده است. لذا پیچیدگی با پذیرش خودسازمان، بر خودآگاه دانستن معلمان تاکید می‌نماید. از منظر در همه مکاتب فلسفی و ادیان آسمانی، خصوصاً اسلام، تعلیم و تربیت که عامل اصلی تحقق آن معلم می‌باشد امری تقدیس شده قلمداد گردیده است، بر این اساس اهداف پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- تبیین ویژگی‌های معلم کارآمد از منظر نظریه پیچیدگی؛ ۲- تبیین برخی ویژگی‌های معلم خیر و جایگاه آن از منظر اسلام؛ ۳- تبیین نقش معلم کارآمد و معلم خیر در تربیت سیاسی و تحولات اجتماعی؛ ۴- تبیین ماهیت تربیت سیاسی. این تحقیق از نوع تحقیقات تطبیقی بوده و از طرفی در زمره تحقیقات کیفی قرار دارد. نتایج نشان داد، ویژگی‌های معلم کارآمد از منظر پیچیدگی عبارتند از: معنا ساز همراه، آموزش با فرایند تکراری، انجام - نقد - انجام و نیازمند اشراف به نظریه‌های روزآمد بودن و... . ویژگی‌های معلم خیر از منظر اسلام عبارتند از: رعایت تعادل و اندازه در یادگیری، خردمند، دیندار، مهذب و مهربان، معتقد به آموزش مشارکتی با مباحثه، مشورت مداوم، و... . وجوه اشتراک بین دو دیدگاه در ویژگی‌های معلم نیز عبارتند از: علاقه‌مند بودن به حرفه معلمی، نظارت داشتن بر رعایت آداب تحصیل، تدریس با شیوه حل مسئله در پیچیدگی، عشق به آموزش، راهنما و ناظر بر یادگیری و مسئله‌محور بودن در فکر و عمل از منظر اسلام، وجوه افتراق بین دو دیدگاه در خصوصیات معلم در اسلام عبارتند از: داشتن نیت خدایی در عمل، متواضع بودن، برخورداری از محوریت تام در تدریس. وجوه افتراق بین دو دیدگاه در خصوصیات معلم کارآمد در پیچیدگی عبارتند از: ایفای نقش محوری در تعلیم بدون تحکم و برتری، درک پیچیدگی شخصیت دانش‌آموزان و توجه به شیوه‌های متنوع یادگیری.

واژه‌های کلیدی: نظریه پیچیدگی، خودسازمان‌دهی، معلم، تربیت سیاسی، تعلیم و تربیت.

پژوهش حاضر مستخرج از: رساله دکتری عبدالمجید فروزش فرد، با عنوان «مبانی انسان‌شناختی نظریه پیچیدگی و دلالت‌های تربیتی آن»، استاد راهنما: علی‌رضا فقیهی، استاد مشاور، محمد سیفی، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک در سال ۱۴۰۴ است.

استناد به این مقاله: فروزش فرد، عبدالمجید؛ فقیهی، علیرضا؛ سیفی، محمد (۱۴۰۴). جایگاه معلم در نظریه پیچیدگی و اسلام با تاکید بر تربیت

سیاسی. *سیاست متعالیه*، ۱۲(۴): ۱۵۷-۱۷۶. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.2018265.2169>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

معلم زیربنای پایداری اجتماعی-سیاسی و بالندگی جامعه است. پایداری سیاسی یکی از ارکان پایداری جامعه و پایداری واحد جغرافیایی سیاسی می‌باشد، اجتماعی را می‌توان پایدار دانست که در آن عدالت اجتماعی در توزیع خدمات، خصوصاً آموزش برقرار بوده و سیستم آموزشی توانمند برای انتقال آگاهی درباره پایداری اجتماعی از نسلی به نسل دیگر وجود داشته باشد. در این نظام آموزشی، فراگیری آموزش‌های لازم برای معلمان در جهت تبیین و تعیین نقشه راه صحیح که برای آنها ترسیم می‌شود را ضروری می‌نماید، تا انتقال آگاهی‌های لازم بین‌نسلی و پاسخگویی به سوالات و دوگانه‌های ذهنی نسل نو میسر گردد. از جمله این تعارضات ذهنی می‌توان به نظریه منافع ملت و امت اشاره کرد که هر از چندگاهی دستمایه‌ای برای عوامل تحریک جامعه قرار گرفته و در قالب مطالبات اجتماعی بروز می‌کند. پارادایم سیستم حکمرانی کنونی را در بهترین حالت می‌توان پارادایم امت-ملت نامید. این پارادایم، حاصل ترکیب نامتجانسی از دو پارادایم منافع امت و منافع ملت است. امت، مفهومی است که از مرزهای جغرافیایی-سیاسی یک واحد ملی فراتر می‌رود و عموماً به مجموعه‌ای از انسان‌ها اشاره دارد که به یک ایدئولوژی دل‌بستگی دارند؛ از سوی دیگر، ملت مجموعه‌ای از افراد هستند که زیستن آنها در یک واحد جغرافیایی-سیاسی، آنها را به یک ملت تبدیل کرده است. پارادایم منافع امت با مرز جغرافیایی بیگانه است؛ و سیستم حکمرانی آن گرچه خود در یک قلمرو جغرافیایی-سیاسی جا دارد، اما در حالت ایده‌آل، منابع آن قلمرو جغرافیایی-سیاسی را در خدمت تأمین منافع امتی قرار می‌دهد که بخش‌هایی از تشکیل‌دهندگان آن اصولاً در واحدهای جغرافیایی-سیاسی دیگری زندگی می‌کنند. در این پارادایم، منافع امت از ارجحیت بیشتری در مقایسه با منافع ملت برخوردار است؛ از سوی دیگر، سیستم حکمرانی مبتنی بر پارادایم منافع ملت، منابع واحد جغرافیایی-سیاسی تحت مدیریت خود را در جهت تأمین پایداری آن واحد و بیشینه نمودن منافع مجموع ساکنان آن به کار می‌گیرد. پارادایمی که سیستم حکمرانی در ایران بر آن مبتنی است، با صلاح‌دید مسئولین نظام و براساس منافع ملی، ترکیبی نامتجانس از دو پارادایم فوق است. حل تناقض‌های نظری موجود در پارادایم سیستم حکمرانی با تئور افکار جامعه، امری ضروری در بهبود وضعیت ایران در فضای حالت پایداری است. اما هر یک از حامیان دو پارادایم منافع امت و منافع ملت پیوسته تلاش نموده‌اند که اهداف و طراحی سیستم حکمرانی را به پارادایم مدنظر خود نزدیک نمایند؛ نتیجه این تلاش‌ها تناقض در اهداف و معماری سیستم حکمرانی بوده است؛ به این ترتیب اهدافی مشخص شد و سیستمی طراحی گردید که بخش‌هایی از آن مبتنی بر پارادایم منافع امت و بخش‌هایی دیگر مبتنی بر پارادایم منافع ملت بود، این امر تناقض‌های سطح نظری را به سطح عینی و واقعی

وارد کرد و جدال‌ها، تضادها و تنش‌هایی که تا به امروز حل نشده و ادامه دارد. از طرفی، معلم است که برای تعادل و حفظ ثبات سیاسی جامعه موظف است و باید براساس مسئولیت اجتماعی خویش شهروندی تربیت کند که بدانند در قبال این تعارضات چگونه باید فعالانه و نه منفعل عمل کند، و از سوی معلمان خود احقند به این اطلاعات که از طریق آموزش محقق می‌گردد، پس، پیش‌نیاز تربیت عبد صالح و شهروند خوب، داشتن معلم خوب است که پیش‌نیاز آن نیز آموزش‌های لازم به معلمان می‌باشد. پژوهش حاضر بر آن است تا ویژگی معلم از منظر اسلام و تئوری پیچیده با تاکید بر تربیت سیاسی را تبیین نماید.

اهداف پژوهش عبارتند از:

- تبیین ویژگی‌های معلم کارآمد از منظر نظریه پیچیدگی؛
- تبیین برخی ویژگی‌های معلم خیر و جایگاه آن در اسلام؛
- تبیین نقش معلم کارآمد و معلم خیر در تربیت سیاسی و تحولات اجتماعی؛
- تبیین ماهیت تربیت سیاسی.

بر مبنای اهداف مذکور، سوالات پژوهش عبارتند از:

- (۱) ویژگی‌های معلم کارآمد در نظریه پیچیده کدام است؟
- (۲) ویژگی‌های معلم خیر و جایگاه آن در اسلام کدام است؟
- (۳) نقش معلم کارآمد و معلم خیر در تربیت سیاسی و تحولات اجتماعی چیست؟
- (۴) ماهیت تربیت سیاسی چیست؟

۲. مفهوم‌شناسی تحقیق

تئوری پیچیده: پارادایم پیچیده در مقابل پارادایم ساده‌گر، نگاهی کل‌گرایانه به همه پدیده‌های هستی دارد. در پارادایم‌های دیگر، طراحان از منظری خطی و براساس قاعده‌علت و معلولی به پدیده‌ها می‌نگرند، اما گذشت زمان نشان داد که رفتار بسیاری از پدیده‌ها براساس این تفکر، غیرقابل تبیین است. بر این اساس تفکر فلسفی پیچیده مطرح گردید. از منظر پیچیدگی، هم ماهیت جهان و هم ادراک انسانی، پویا و نوپدید هستند. پیچیدگی، به لحاظ هستی‌شناختی جهانی را مجسم می‌کند که خودسازمان‌گر، غیرخطی، حساس به شرایط اولیه و تحت تاثیر مجموعه قواعد بسیار زیاد است. پیچیدگی بر رفتارهای نوظهور متمرکز است که از تعاملات درونی و بیرونی میان نظام‌های خودسازمان‌گر و نظام‌های انطباقی حاصل می‌شود. بر مبنای مفاهیم اساسی این دیدگاه، سیستم‌های پویا در موقعت تاثیرپذیری از علل و عوامل بیرونی و درونی، و با ورود به

موقعیت بی‌تعادلی وارد مرحله آشوبناکی شده، سپس به صورت ناگهانی و خودجوش، رفتارهای جدید و نوپدید را جهت انطباق و حفظ بقای خویش از خود بروز می‌دهد. براساس ویژگی آشیانه‌ای یا لایه‌لایه بودن پدیده‌های پیچیده که به ویژگی فراکتالی^۱ یا خودهمانندی این سیستم‌ها اشاره می‌کند، یک سیستم پیچیده در درون خود از سیستم‌هایی تشکیل شده که خود آنها نیز سیستم‌های پیچیده و شامل‌شونده هستند. معلم در برنامه درسی به عنوان پدیده‌ای پیچیده نیز عنصری پیچیده محسوب می‌گردد. لذا، پیچیدگی با پذیرش خودسازمان، بر خودآگاه دانستن معلمان و فراگیران تأکید می‌نماید. برخی مفاهیم اساسی این نظریه که منجر به ظهور این دیدگاه گردید، عبارتند از: خودسازمان، نوپدیدی، لبه آشوب.

نوپدیدی: به گفته لنک^۲ و استفان^۳ در حالی که در زبان روزمره، نوپدید شدن به معنای ظاهر شدن یا آشکار شدن است، در اغلب کاربردهای فنی، اصطلاح نوپدید دلالت بر ویژگی مرتبه - دوم و ویژگی (ساختار)های مرتبه - اول خاص دارد، بدین معنی که آن‌ها نوپدید هستند. نوپدید می‌تواند به عنوان الگوهای غیرقابل پیش‌بینی از نظم نگریسته شود که به واسطه فرایند خودسازمان ظاهر می‌شود.

لبه آشوب: به گفته نجاریان لبه آشوب، اصطلاحی است که توسط والدروپ وضع شده است. به‌زعم والدروپ «همه سیستم‌های پیچیده تا حدودی توانایی هدایت نظم و آشوب در جهت نوعی تعادل خاص را دارند. این تعادل که اغلب لبه آشوب نامیده می‌شود، جایی است که عناصر سیستم هرگز نه به طور کامل در جایی قفل می‌شوند و نه اغتشاش را به طور کامل از بین می‌برند. جایی است که حیات در همان حال که برای بقای خودش در حد کفایت ثابت دارد، برای استحقاق حیات نیز به اندازه کافی خلاقیت دارد» (نجاریان، ۱۳۹۴).

۳. ویژگی‌های معلم کارآمد از منظر پیچیدگی

در تئوری پیچیده از معلم مطلوب این نظریه به معلم کارآمد تعبیر می‌شود. معلم کارآمد، به عنوان یک پدیده پیچیده، آهنگ، فضا و جو کلاس درس را تنظیم و برقرار می‌سازد. چنانچه قرار باشد که روح کودک پرورش و رشد یابد، باید این روند از روح معلم آغاز گردد. به گفته دیویی^۴: نقش معلم در جامعه فراگیران عبارت است از: کاشتن دانه و اتخاذ نقش راهنمایی (نه کاملاً حکم‌فرما) در جهت گرده‌افشانی تدریجی و

1. Fractal

2. Lenk

3. Stephan

4. John dewey

سرعت بخشیدن به آنها، برای بارور ساختن دانه‌هایی که رشد می‌کنند. در برنامه درسی پیچیدگی نقش معلم از متخصص و انتقال‌دهنده، به تسهیل‌گر، هم‌یادگیرنده و معنا ساز همراه، که یادگیرندگان را قادر به پیوند دادن دانش جدید به دانش موجود می‌سازد، تغییر می‌یابد. از کنترل معلم کاسته و بر فعالیت یادگیرنده افزوده می‌شود. دال (۱۹۹۳) این سبک از تعامل را براساس بازخورد و بخشی از فرایند تکراری انجام - نقد - انجام - نقد توصیف می‌کند، که بر کمک به دانش‌آموزان در توسعه قدرت‌های ذهنی و اجتماعی‌شان از طریق گفتگو و نقدهای سازنده تمرکز دارد. معلم در این فرایند، نقش محوری ایفا می‌کند، اما ارزیابی‌کننده انحصاری نخواهد بود. جس و همکاران (۲۰۱۱: ص ۱۹۴) در تایید این نکته اظهار می‌کنند که معلمان نیازمند نظریه‌های متعدد هستند تا بتوانند یادگیری را در هر دو جنبه رفتاری و شناختی معنا دهند. معلمان نیازمند آن هستند که از ایده‌های نوین آموزشی یا نظریه‌های غالب مطلع بوده و کاربران اصلی آن‌ها باشند، تا شاید این نظریه‌ها را تفسیر، منطبق و تلفیق نمایند، به گونه‌ای که در عمل بکار آیند. معلم از ویژگی‌های عاطفی و شناختی دانش‌آموز آگاه است و با آزادی که دارد، برنامه‌ای جهت اجرا طراحی می‌نماید که هم تحت تاثیر برنامه درسی اجباری و هم براساس نیازها و استعدادهای یادگیرندگان و تجربیات شخصی‌اش می‌باشد.

۳-۱. پیچیدگی و سیاست

کاربرد سیاست در آموزش مبتنی بر نظریه پیچیده به منظور تبیین عدم ثبات و بی‌نظمی در این حوزه جهت شناختن برون‌دادهای^۱ نظام‌های آموزشی می‌باشد. براساس دیدگاه کل‌نگر در نظریه پیچیدگی در مقابل دیدگاه کمی‌نگر و جزئی‌نگر ساده‌ساز اثباتی سنتی، قوانین حاکم بر رفتارهای سیاسی در جامعه براساس سلسله علل و عوامل ثابت خطی از پیش معین مبتنی بر قطعیت نبوده و این همان چیزی است که نظام آموزشی و به تبع آن معلمان باید در مسیر تربیت سیاسی فراگیران جهت تربیت نسل کارآمد مد نظر داشته باشند. تربیت عبارت است از فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی شناختی فرد به معنای نشو و نما دادن انسانی که استعداد درونی بالقوه برای بالفعل شدن در او باشد (منصورنژاد، ۱۳۸۵). واژه دوم کلیدی در تربیت سیاسی، سیاست است، سیاسی یعنی منسوب به سیاست، سیاست به معانی حکومت، ریاست، داوری، حفاظت، حراست و حکم راندن می‌باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۴: ص ۱۲). رابطه بین این دو در آن است که: کیفیت تربیت سیاسی افراد جامعه تاثیر مستقیم بر نظام سیاسی حاکم داشته و متقابلاً آن نظام سیاسی، امر جامعه‌پذیری و تربیت سیاسی افراد را شکل می‌دهد. به بیان دیگر، تربیت سیاسی نمود و شقی از

تربیت بوده که تعریف تربیت با تاکید بر سیاست شامل آن نیز می‌شود. بر این اساس تربیت سیاسی را جذب و درونی کردن هنجارها و ارزش‌های نظام سیاسی جامعه بیان کرده‌اند. همچنین آن را به معنای پرورش، انتقال آزادانه و آگاهانه مهارت‌ها، ویژگی‌ها و آگاهی‌هایی دانسته‌اند که باعث رشد احساس مسئولیت و مشارکت فعال دانش‌آموزان در مسائل سیاسی شده و توانایی نقد، ارزیابی و نظارت بر مسائل سیاسی را به منظور صیانت حکومت‌ها از بروز انحرافات حاکمیتی ایجاد می‌کند.

۴. منزلت و جایگاه معلم راستین در اسلام

تعلیم و تربیت در همه ادیان آسمانی، خصوصاً اسلام امری تقدیس شده قلمداد گردیده است، و در اسلام به عنوان هدف بعثت انبیاء الهی بیان شده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «بالتعلیم ارسلت» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۲۰۶)، «رسالت من آموزش» است. همچنین می‌فرماید: «نزدیک‌ترین مردم به درجه نبوت، اهل علم و جهاندان که مردم را به آنچه رسولان الهی آورده‌اند، راهنمایی می‌کنند. معلم در بین دیگر عناصر برنامه درسی از اهمیت ویژه و کلیدی برخوردار است، و اوست که به تعبیر روایات به عنوان معلم خیر، و دارا بودن شرایط معلمی، عناصر دیگر برنامه درسی را در جهت تحقق اهداف آموزشی و پرورشی به کار می‌گیرد. او با روح و جان فراگیران در ارتباط است، افکار و اندیشه آنان را می‌سازد، رفتار آنان را شکل داده، و عامل تغییر و یادگیری می‌شود. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ حَتَّى النَّمْلِ فِي جُحْرِهَا وَ حَتَّى الْحُوتِ فِي الْبَحْرِ يُصَلُّونَ عَلَيَّ مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ص ۲۸۵۹)، «همانا خداوند و ملائکه‌اش حتی مورچه در لانه‌اش و ماهی در دریا، یعنی تمام موجودات عالم بر معلم صالح و شایسته مردم صلوات می‌فرستند». «ثَلَاثَةٌ لَا يَسْتَحْفُ بِحَقِّهِمْ إِلَّا مُنَافِقٌ، ذُو شَبِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ وَأَمَامٌ مُقْسِطٌ وَ مُعَلِّمُ الْخَيْرِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ج ۸، ص ۱۳۵۲). سه گروه هستند که جز منافق ایشان را بی‌حرمتی نکند؛ بزرگان و پیرمردان مومن که عمر خود را در راه اسلام سپری کرده‌اند و رهبر عادل و معلم خیر.

برخی ویژگی‌های معلم از منظر اسلام عبارتند از:

بردباری و تحمل سختی‌ها: که با استناد به آیه «وما انزلنا عليك القرآن لتشقى» (طه، ۲)، «ما قرآن نازل نکردیم بر تو که خودت را به زحمت بیاندازی»، از ویژگی‌های بارز پیامبر در تعلیم جامعه بوده است.

مبّری بودن از بخل علمی: در اسلام تعلیم از مقامات معنویه بوده و بخل مختص مقامات مادیه است و در مقامات معنویه بخل معنی ندارد.

تواضع: امام صادق (ع) فرمود: «تواضعوا لمن تعلمونه العلم وتواضعوا لمن طلبتم منه العلم ولا تكونوا

علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم» (کلینی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۳۶)، «با تواضع به شاگردانتان علم را تعلیم کنید؛ زیرا تعلیم و تربیت حق، و تکبر باطل است و این باطل، آن حق را ضایع می‌کند.

رفق^۱ و مدارا: (کلینی، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۶۲) پیامبر(ص) می‌فرماید: «لینوا لمن تعلمون ولمن تتعلمون منه»، «با کسی که به او دانش می‌آموزید (شاگرد) و کسی که از او دانش فرامی‌گیرید (معلم)، نرم‌خو باشید».

جهت خدایی داشتن: امام کاظم(ع) می‌فرماید: «لا عِلْمَ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ رَبَّانِيٍّ، وَمَعْرِفَةُ الْعَالِمِ بِالْعَقْلِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ص ۳۸۷)، «علم، جز از عالم ربّانی به دست نیاید (یا آن را جز از عالم ربّانی نباید فراگرفت) و شناخت چنین عالمی به خرد است.

شجاعت در اظهار علم و نشر آن: پیامبر(ص) می‌فرماید: «إِذَا رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فَكَتَمَهُ وَهُوَ يَعْلَمُهُ، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلْجِمًا بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ» (طوسی، ۱۴۰۴: ص ۸۰۸؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ص ۳۹۸)، «هر مردی که خداوند به او دانشی دهد و او آن را با اینکه می‌داند، مخفی نگه دارد، در روز قیامت در حالی که افساری از آتش بر او زده شده است، خداوند عزوجل را دیدار کند.

تبیین‌گری: پیامبر(ص) می‌فرماید: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (کلینی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۵۴، ح ۲)، «هرگاه بدعت‌ها در میان امت من آشکار شد، بر عالم است که علمش را آشکار کند و هرکس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد».

تخصص‌گرا بودن و عدم ورود به حوزه‌های غیر تخصصی: امام علی(ع) می‌فرماید: «لا تقل ما لا تعلم بل لا تقل كل ما تعلم (نهج البلاغه، قصار ۳۷۴)، «آنچه را نمی‌دانی نگو، بلکه همه آنچه را هم می‌دانی نگو».

اخلاص در عمل بدون چشم‌داشت: امام صادق(ع) می‌فرماید: «الْمُعَلِّمُ لَا يُعَلِّمُ بِالْأَجْرِ وَيَقْبَلُ الْهَدِيَّةَ إِذَا أُهْدِيَ إِلَيْهِ» (طوسی، ۱۳۶۲: ج ۶، ص ۳۶۵)، «معلم به خاطر مزد درس نمی‌دهد، بلکه برای خدا و با خلوص نیت آموزش می‌دهد و هرگاه هدیه‌ای به او دادند، آن را می‌پذیرد».

رعایت عدالت بین فراگیران: پیامبر(ص) «دورترین مردم از خداوند را دو گروه معرفی نمود و در توضیح گروه دوم فرمود: «وَمُعَلِّمُ الصَّبِيَّانِ لَا يُوَأَسِي بَيْنَهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهَ فِي الْيَتِيمِ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ج ۹)، «و معلم کودکان که در میان آنان به عدالت رفتار نمی‌کند و در مورد یتیم، خدا را در نظر نمی‌گیرد».

۱. معنای رفق و مدارا: رفق در لغت در چهار معنا به کار می‌رود: که با توجه به معنای لغوی آن عبارت از نرمی و ملایمت در رفتار با دیگران است. این ملایمت و نرمی گاه برای در امان ماندن از شرّ دیگران، مدارای احتیاطی، و گاه برای بهره‌مندی از آنان است (طریحی، ۱۳۷۹ق، ذیل ماده رفق).

سنجیده‌گو باشد: امام علی(ع): «یا طالب العلم! ان للعالم ثلاث علامات: العلم والحلم والصمت» (محمدری شهری، بی‌تا: ص ۳۸۲)، «ای جوینده دانش! برای دانشمند سه نشانه است: دانش، بردباری و سکوت»

رفتار عالمانه: امام صادق(ع): «من لم یصدق فعله قوله فلیس بعالم» (کلینی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۳۶)، «هر آن کس که رفتارش، گفتارش را تصدیق نکند، عالم نیست».

علمش مفید و کاربردی باشد: امام علی(ع): «علموا صبیانکم ما ینفعهم الله به لا یغلب علیهم المرجئة بریاء» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۱۷)، «به کودکانتان چیزهایی بیاموزید که خداوند با آن چیزها سودشان می‌رساند، تا مرجئه (منحرفان عقیدتی) با دیدگاهشان بر آنان چیره نشوند».

مسئله‌محور بودن در اندیشه و عمل: امام صادق(ع): «ان هذا العلم علیه قفل ومفتاحه المسألة» (کلینی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۴۰)، «بر این دانش قفلی است که کلید آن پرسش است».

به‌هنگام و با مطالعه بودن: پیامبر(ص): العلم اکثر من ان یحصی فخذ من کل شیء احسنه» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۲۱۹)، «دانش بیشتر از آن است که به شمارش درآید، پس از هر چیزی نیکوترین آن را برگیر».

رعایت حوصله و توان فراگیران در آموزش: پیامبر(ص) می‌فرماید: «حضرت خضر(ع) به حضرت موسی(ع) گفتند: «یا طالب العلم! ان القائل اقل ملالة من المستمع فلا تمل جلساءک اذا حدثتهم» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۲۲۶)، «ای جوینده دانش! آزرده‌گی گوینده کمتر از شنونده است. پس آن هنگام که با همنشینان خود سخن می‌گویی، آنان را آزرده مکن».

ارتقاء اندیشه فراگیران، و نه محفوظات صرف: امام علی(ع): «الا لا خیر فی علم لیس فیه تفهم» (کلینی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۳۶)، «آگاه باشید! در دانشی که در آن اندیشیدن نباشد، خوبی نیست».

جدول ۱- ویژگی‌های معلم از منظر اسلام و نظریه پیچیدگی

الف) از منظر پیچیدگی	پ) ویژگی‌های شغلی معلم خیر	ب) ویژگی‌های شخصیتی معلم از منظر اسلام
عشق به آموزش	رعایت تعادل و اندازه در یادگیری	علاقه‌مند به حرفه معلمی
انتقال راهبردهای زندگی	نظارت بر رعایت آداب تحصیل	تأثیرگذار بر فکر و رفتار شاگردان
درک پیچیدگی شخصیت دانش‌آموزان	شروع آموزش از مطالب ساده به مشکل	خردمند، دیندار، مهذب و مهربان
آگاهی از تأثیر رفتار خود	تمرین برای درک بهتر محتوا	تبت‌خدایی در کار
احترام به تفاوت‌های فردی	آموزش مشارکتی با مباحثه و مشورت مداوم	اهل رفق و مدارا

الف) از منظر پیچیدگی	پ) ویژگی‌های شغلی معلم خیر	ب) ویژگی‌های شخصیتی معلم از منظر اسلام
یادگیری فراتر از برنامه درسی	آرامش و دوراندیشی در آموزش	سخت‌مندی در دانش
ارزشیابی فراتر از نمره‌دهی	بازنگری در مطالب	صبور در سختی‌های تدریس
توجه به شیوه‌های متنوع یادگیری	تکرار و مرور درس برای ماندگاری	شجاع در بیان علم
آزادی عمل در تدریس	آموزش همراه با نشاط در محیط آموزش	متواضع
راهنما و ناظر بر یادگیری	اجتناب از تدریس در شرایط نامناسب	رفتار عالمانه داشتن
تسهیل‌گر یادگیری	طرح سؤال و مناظره	با اخلاص در وظایف
تعامل مؤثر با محیط آموزشی	تبیین در مواقع ضروری	
استقلال از محتوای رسمی	عدالت در برخورد با فراگیران	
پرورش خلاقیت دانش‌آموزان	سنجیده سخن گفتن	
تدریس با شیوه حل مسئله	تخصص‌گرا بودن (تدریس در حوزه تخصص خود)	
روح پرورش یافته	مسئله‌محور در فکر و عمل	
بذرافشانی تدریجی در آموزش	نگاه بذرافشانی به تربیت	
معناساز همراه	دقیق و مطالعه‌محور	
عامل فعالیت یادگیرنده	صبور و همراه در حد توان شاگردان	
آموزش با فرایند تکراری انجام - نقد - انجام -	پرورش‌دهنده تفکر، و نه فقط محفوظات	
بر گفتگو و نقدهای سازنده تمرکز دارد	محوریت نام‌جایگاه معلم در تدریس	
ایفای نقش محوری بدون تحکم در تعلیم	به‌هنگام و با مطالعه بودن	
نیازمند اشراف به نظریه‌های روزآمد		

جدول ۲- مشابهت‌ها در ویژگی‌های معلم از منظر اسلام و نظریه پیچیدگی

الف) از منظر پیچیدگی	پ) ویژگی‌های شغلی معلم خیر
عشق به آموزش	علاقه‌مند به حرفه معلمی
انتقال راهبردهای زندگی	تأثیرگذار بر فکر و رفتار شاگردان
آگاهی از تأثیر رفتار خود	سنجیده سخن گفتن
یادگیری فراتر از برنامه درسی	طرح سؤال و مناظره
آزادی عمل در تدریس	شروع آموزش از مطالب ساده به مشکل
راهنما و ناظر بر یادگیری	نظارت بر رعایت آداب تحصیل
تسهیل‌گر یادگیری	صبور و همراه در حد توان شاگردان اجتناب از تدریس در شرایط نامناسب

الف) از منظر پیچیدگی	پ) ویژگی‌های شغلی معلم خیر
تعامل مؤثر با محیط آموزشی	اهل رفق و مدارا
استقلال از محتوای رسمی	رعایت تعادل و اندازه در یادگیری
پرورش خلاقیت دانش‌آموزان	مسئله‌محور در فکر و عمل
تدریس با شیوه حل مسئله	مسئله‌محور در فکر و عمل
روح پرورش یافته	خردمند، دیندار، مهذب و مهربان
بذرافشانی تدریجی در آموزش	نگاه بذرافشانی به تربیت
معناساز همراه	تبیین در مواقع ضروری
عامل فعالیت یادگیرنده	آموزش مشارکتی با مباحثه و مشورت مداوم
آموزش با فرایند تکراری انجام - نقد - انجام	تکرار و مرور درس برای ماندگاری
بر گفتگو و نقدهای سازنده تمرکز دارد	بازنگری در مطالب
نیازمند اشراف به نظریه‌های روزآمد	به‌هنگام و با مطالعه بودن

جدول ۳- مغایرت‌ها در ویژگی‌های معلم از منظر اسلام و نظریه پیچیدگی

الف) ویژگی‌های خاص پیچیدگی	پ) ویژگی‌های شغلی معلم خیر	ب) ویژگی‌های شخصی معلم از منظر اسلام
ایفای نقش محوری بدون تحکم در تعلیم	تمرین برای درک بهتر محتوا	نیت خدایی در کار
درک پیچیدگی شخصیت دانش‌آموزان	آرامش و دوراندیشی در آموزش	سخت‌و‌تمند در دانش
احترام به تفاوت‌های فردی	آموزش همراه با نشاط در محیط آموزش	صبور در سختی‌های تدریس
ارزشیابی فراتر از نمره‌دهی	تخصص‌گرا بودن (تدریس در حوزه تخصص خود)	شجاع در بیان علم
توجه به شیوه‌های متنوع یادگیری	دقیق و مطالعه‌محور	متواضع
	پرورش‌دهنده تفکر، و نه فقط محفوظات	رفتار عالمانه داشتن
	محوریت نام‌جایگاه معلم در تدریس	با اخلاص در وظایف

۵. پیشینه تحقیق

ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «نگرش کوانتومی به برنامه درسی، چشم‌اندازی دیگر در عمل برنامه درسی در هزاره سوم»، نشان دادند که سازمان‌های آموزشی، سیستم‌های خودسازمان‌یافته و غیرخطی هستند. بنابراین، تغییرات آنها را نمی‌توان با اصول مدیریت سنتی توصیه نمود و مدیریت آنها باید مدیریتی خلاق، انعطاف‌پذیر نسبت به تغییر، بی‌ثباتی و تنوع باشد.

دانایی‌فرد (۱۳۸۵) نیز در پژوهشی با عنوان «کنکاشی در مبانی فلسفی تئوری پیچیدگی: آیا علم پیچیدگی

سبباً پست‌مدرن دارد؟»، نشان داد که یک سیستم انطباقی پیچیده را می‌توان به عنوان نظامی مرکب از تعداد زیادی موجودیت تصور کرد که فعالیت متعامل بین آنها در سطح بالایی وجود دارد. مثلاً سیستم جوی یا یک سازمان اجتماعی، نوعی سیستم پیچیده محسوب می‌شود که رفتار آنها از نظم خطی مشخصی تبعیت نمی‌کند، بلکه رفتارشان آشوبناک بوده و دارای نوعی نظم غایی است. ولی یک سیستم خطی غیرپیچیده مثل ترموستات دارای رفتاری منظم بوده که قابل پیش‌بینی است.

کافی امامی و احمدی‌تبار (۱۴۰۲) معتقدند که، تربیت سیاسی خانواده یعنی پروراندن بُعد اجتماعی و سیاسی خانواده که دارای دو رویکرد است: رویکرد اول، پروراندن در راستای منشأ تکلیف اعم از خداوند، نیاز انسان و نیاز جامعه می‌باشد. رویکرد دوم، پروراندن در راستای قلمرو تعلیم و تربیت اعم از همه روش‌های تربیتی و مصادیق ممکنه در امر تعلیم و تربیت است. همه تعاریف در این نکته مشترک هستند که: موضوع تربیت و تعلیم جامعه، به ویژه فرزندان، توسط عوامل مختلفی از جمله خانواده، حاکمیت و جامعه محقق می‌شود، ولی رهبری آن توسط قوانین الهی و یا حکومت، به عاملیت والدین، به ویژه پدر صورت می‌گیرد. برای تحقق چنین امر مهمی نیاز است که به مباحث مختلفی از جمله پیش‌نیازهای تربیت سیاسی، لوازم تربیت سیاسی، مکانیزم تربیت سیاسی و دستاوردهای تربیت سیاسی پرداخته شود.

محمدی چابکی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «استلزامات تدوین نظریه تربیتی در پارادایم پیچیدگی»، پس از نقد مولفه‌های هستی‌شناختی تاثیرگذار بر نظریه‌های تربیتی معاصر، با معرفی برخی استلزام‌های نظریه‌پردازی تربیتی مبتنی بر پارادایم پیچیدگی، نشان داد که نظام تعلیم و تربیت در نظریه پیچیدگی مانند یک فرایستیم پیچیده خودسازمانگر و چندلایه است که در هریک از سطوح و لایه‌های آن زیرسیستم‌هایی حاوی عناصر و عوامل (انسانی و غیرانسانی) مرتبط با یکدیگر وجود داشته و با سازوکارهای پیچیده‌ای عمل می‌کنند.

نجماریان و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نظریه پیچیدگی و تبیین اشارات آن در مدیریت سازمان‌های آموزشی»، با استفاده از روش تحلیلی، به خاستگاه نظریه پیچیدگی و تاثیر آن در مدیریت سازمان‌های آموزشی اشاره کرده و نشان می‌دهد که متفکران نظریه پیچیدگی معتقدند، سازمان‌های آموزشی، سیستم‌های خودسازمان پیچیده و غیرخطی هستند. بنابراین، تغییرات آنها را نمی‌توان با اصول مدیریت سنتی توصیه نمود، و مدیریت آنها باید مدیریتی خلاق، انعطاف‌پذیر نسبت به تغییر، بی‌ثباتی و تنوع بوده، و تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بازدارنده نسبت به تمرکز قدرت و سلسله مراتب و نیز کنترل از بالا به پایین، باید مبتنی بر احترام و اعتماد متقابل و به صورت گروهی و اشتراکی باشد.

آرایز^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «تحول پیشرو در پیچیدگی آموزشی»، با رمزگشایی، نیروی دگرگون‌کننده آموزش را می‌توان از طریق یک رویکرد شخصی‌شده، کل‌نگر و از پایین به بالا ارتقاء داد. با این حال، مریبان اغلب در توانایی خود برای اجرای چنین شیوه‌هایی، به ویژه در موسسات آموزشی محدود هستند. نیروی دگرگون‌کننده آموزش را می‌توان از طریق یک رویکرد شخصی‌شده، کل‌نگر و از پایین به بالا ارتقاء داد. مریبان اغلب در توانایی خود برای اجرای چنین شیوه‌هایی، به ویژه در موسسات آموزشی، محدود هستند.

به باور محقق در این پژوهش عدم همسویی بین عناصر سیستم آموزشی در سطوح مختلف، رکود سیستم، و چرایی شکست تلاش‌های لازم برای تغییر بررسی شده و یک چارچوب رهبری تحول‌آفرین براساس دیدگاه نظریه پیچیدگی ارائه گردیده است. تعریف پیچیدگی: سیستم‌های غیرخطی متعددی جهان را تشکیل می‌دهند. تغییرات کوچک در این سیستم‌ها می‌تواند اثرات نامتناسب و اغلب غیرقابل پیش‌بینی داشته باشد. کلاس درس که توسط معلمان اداره می‌شود، به عنوان پلی بین تعاملات سطح خرد فردی دانش‌آموزان و ساختارهای سطح کلان گسترده‌تر سیستم آموزشی عمل می‌کند که در نهایت بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد. میشر و وار^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «یک معلم به عنوان یک طراح» نشان دادند که، یک معلم به عنوان یک طراح، در یک کلاس درس در میان سیستم‌های تودرتو و پیچیده یاد می‌گیرد و تمرین می‌کند. طراحی، نیاز به دیدن فراتر از تمرین سنتی و خطی، آزمایش با رویکردهای جدید و تنظیم آن رویکردها در پاسخ به حلقه‌های بازخورد موقعیت دارد. تمرکز بر رویکردهای غیرسنتی ثانویه و گوش دادن به بازخوردهای مخرب ممکن است معلمان را برای یادگیری و تمرین در میان پیچیدگی حمایت کند.

براساس پیشینه پژوهش می‌توان گفت، نظام تعلیم و تربیت در نظریه پیچیدگی مانند یک فراسیستم پیچیده خودسازمانگر و چندلایه است که در هریک از سطوح و لایه‌های آن زیرسیستم‌هایی حاوی عناصر و عوامل مرتبط با یکدیگر وجود داشته و با سازوکارهای پیچیده‌ای عمل می‌کنند. یک سیستم انطباقی پیچیده را می‌توان به عنوان نظامی مرکب از تعداد زیادی موجودیت تصور کرد که فعالیت متعامل بین آنها در سطح بالایی وجود دارد. سازمان‌های آموزشی، سیستم‌های خودسازمان پیچیده و غیرخطی هستند. هدف ابتکارات یادگیری معلم این است که معلمان را به مجریان وفادارتر دانش و برنامه درسی دریافت شده تبدیل کند. با این حال، مریبان اغلب در توانایی خود برای اجرای چنین شیوه‌هایی، به ویژه در موسسات آموزشی محدودیت دارند.

1. Jennifer Araiza

2. Warr & Mishra

نیروی دگرگون‌کننده آموزش را می‌توان از طریق یک رویکرد شخصی‌شده، کل‌نگر و از پایین به بالا ارتقاء داد. یک معلم به عنوان یک طراح، در یک کلاس درس در میان سیستم‌های تودرتو و پیچیده یاد می‌گیرد و تمرین می‌کند. در مجموع با توجه به پیشینه پژوهش می‌توان گفت:

(۱) اغلب یافته‌های تحقیقات اخیر با یافته‌های پژوهش حاضر مطابقت داشته، اما به امکان یا عدم امکان کاربست توصیه‌های مبتنی بر نظریه پیچیدگی و ضرورت رعایت اقدامات پیش‌نیاز جهت اجرا اشاره نشده است.

(۲) در تحقیقات اخیر اغلب به نقش معلم در نظریه پیچیدگی و یا دیدگاه مبتنی بر اسلام پرداخته شده است.

(۳) پژوهشی مبتنی بر تربیت سیاسی یافت نشد.

۶. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات تطبیقی می‌باشد. تحقیق تطبیقی یکی از شیوه‌های تفکر در اندیشه اجتماعی برای درک و شناخت مشابهت‌ها و تفاوت‌ها است. مطالعه تطبیقی یک ابزار تحقیقاتی برای قیاس حداقل دو مورد در سطح کلان بوده که در حداقل یک صفت مرتبط با زمینه مورد نظر محقق مشترک باشد. تحقیقات تطبیقی در عمل شامل توصیف تفاوت‌ها، ناسازگاری‌ها و شباهت‌ها است (قنوتی و مشایخ، ۱۴۰۱). این تحقیق در زمره تحقیقات کیفی بوده و اطلاعات مربوطه علاوه بر منابع اطلاعاتی معتبر از افراد خبره و باتجربه در حوزه نظریه پیچیدگی (دارای شرایطی از جمله: داشتن مدرک تحصیلی دکتری، عضو هیأت علمی یا مدرس دوره‌های تخصصی دکتری در دانشگاه و حوزه، و داشتن پژوهش‌هایی در این زمینه). تعداد ۱۴ نفر از خبرگان به شیوه غیرتصادفی (ملاک‌محور) و به روش گلوله‌برفی در حد تحقق اشباع انتخاب شدند. از ابزار مصاحبه بدون ساختار برای دریافت اطلاعات نخبگان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون، و کدگذاری و مقوله‌بندی با استفاده از رویکرد بارون و کلارک^۱ (۲۰۱۳) استفاده شده است.

۷. یافته‌ها

۷-۱. ویژگی‌های معلم کارآمد و جایگاه آن در نظریه پیچیده کدام است؟

براساس نظریه پیچیدگی، معلم کارآمد فردی است که فضای آموزشی کلاس درس را فراهم می‌سازد، به

تعلیم و تربیت عشق می‌ورزد، راهبردهای زندگی را به فراگیران منتقل می‌کند، مراقب رفتار خویش است، به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه دارد، به پیچیدگی‌های بازخورد دادن به دانش‌آموز توجه دارد، به تفاوت در شیوه‌های بروز توانایی فراگیران توجه دارد، فردی است با تجربه، نقش هم‌یادگیرنده و معناساز همراه، راهنما، ناظر و تسهیل‌گر بر امر یادگیری را ایفا می‌کند، با دانش‌آموز تعامل دارد، دانش‌آموزی کارآمد پرورش می‌دهد، بر گفتگو و نقدهای سازنده تمرکز دارد، نقش محوری ایفا می‌کند، اما ارزیابی‌کننده انحصاری نیست، از ایده‌های نوین آموزشی یا نظریه‌های غالب مطلع است، از ویژگی‌های عاطفی و شناختی دانش‌آموزان آگاه است.

۷-۲. ویژگی‌های معلم خیر و جایگاه آن در اسلام کدام است؟

معلم خیر از منظر بزرگان اسلامی فردی است که دارای ویژگی‌های شخصیتی و شغلی لازم جهت تربیت نسل صالح در جامعه اسلامی باشد. او فردی است که با روح و جان فراگیران در ارتباط است، افکار و اندیشه آنان را می‌سازد و رفتار آنان را شکل داده، در نتیجه عامل تغییر و یادگیری می‌شود. خردمند، دیندار، موقر، پاکدامن، مهذب، نظیف و با استعداد بوده و نسبت به تربیت آگاه، و مهربان و فهیم است. در مواجهه با سختی‌های معلمی صبور است. از معلم بودن لذت می‌برد. از بخل علمی مبرا است. اهل رفق و مدار است. کار او خدایی بوده، و متواضع است. در بیان مطالب علمی شجاع است. در عمل به وظایف معلمی اخلاص دارد. رفتار عالمانه دارد. همچنانکه برخی ویژگی‌های شغلی او عبارتند از: نگه داشتن و فهم اندازه در یادگیری متعلمین؛ نظارت بر آداب تحصیل فراگیران؛ آغاز آموزش با متن‌های کوچک‌تر و ساده‌تر؛ تمرین برای افزایش ادراک و فاهمه؛ مباحثه، مناظره و مذاکره و مشورت مداوم؛ دوری از هیاهو و غوغا و تمسک به دوراندیشی و آرامش و میانه‌روی. دوراندیشی و بازاندیشی در مباحث و مطالب؛ مرور درس جهت ماندگاری آموخته‌ها؛ دور کردن اضطراب و آموختن علوم و دروس بانشاط و اعتماد به نفس؛ نپرداختن به طرح مباحث علمی در شرایط ناهنجار مانند چرت زدن، خشم، تشنگی، گرسنگی، طرح سؤال و مناظره در تدریس؛ در ضرورت‌ها تبیین‌گر است؛ با فراگیران به عدالت رفتار می‌کند؛ سنجیده سخن می‌گوید؛ تخصص‌گرا و فنی است؛ در عمل و اندیشه مسئله‌محور است؛ به‌هنگام و با مطالعه است؛ باحوصله و براساس توان فراگیران عمل می‌کند؛ اندیشه‌ساز است، و نه محفوظات‌ساز.

۷-۳. ارتباط معلم کارآمد و معلم خیر با تربیت سیاسی و تحولات اجتماعی چیست؟

ساماندهی ارتباطات اجتماعی - سیاسی و تقویت اخلاق مبتنی بر انسانیت و سیاست، جز از طریق

آموزش موثر و مفید میسر نیست، بلکه این مهم از طریق مشارکت فراگیران، هم‌آموزی و کشف، اصلاح در نوع نگاه به پدیده‌های اجتماعی، انعطاف در پذیرش امکان اشتباه، آمادگی در جهت تغییر، همیشگی و همه‌جایی دانستن آموزش و فراگیری، غیرتحکمی و غیرریاستی بودن آموزش، با دیدگاه‌های غیر جزمی غی دگماتیستی و غیر از پیش تعریف شده، قابل تحقق بوده که آن‌هم باید با آموزش از اوان کودکی و در سطح خانواده، و نیز با تحقق تغییر در مراکز آموزشی کنونی به منظور تغییر در آحاد جامعه همراه باشد. در تئوری پیچیده، از معلم مورد نظر این نظریه به معلم کارآمد، و در اسلام به معلم خیر تعبیر می‌شود. براساس نظریه پیچیده محصول و برون‌داد آموزش و پرورش که نتیجه عمل معلم کارآمد است، دانش‌آموز کارآمد می‌باشد که به تربیت شهروند خوب می‌انجامد و این شهروند خوب می‌تواند منشاء تغییرات، تحول و پیشرف در سطح حاکمیت و جامعه خویش باشد. از منظر اسلام این برون‌داد دانش‌آموزی است که باید به تحقق انسان آرمانی عبد صالح منجر شود، تا بتواند زمینه شکل‌گیری جامعه‌ای صالح جهت تحقق مدینه فاضله با حاکمیت حقّه امام عصر(ص) را بنا نهد. بنابراین، در هر دو دیدگاه پیچیده و اسلام، معلم است که برای تعادل و حفظ ثبات سیاسی جامعه موظف است و باید براساس مسئولیت اجتماعی - سیاسی خویش شهروندی تربیت کند که بداند در قبال تعارضات اجتماعی - سیاسی چگونه باید فعالانه و نه منفعل عمل کند، پس، پیش‌نیاز تربیت شهروند خوب، و تربیت عبد صالح، داشتن معلم خوب است که پیش‌نیاز آن نیز برخورداری معلمان از آموزش‌های لازم می‌باشد. معلم خیر و کارآمد، دانش‌آموز کارآمد پرورش می‌دهد، و آن دانش‌آموزی است که نه‌تنها بر پایه فرهنگ و جامعه خود پرورش یافته، بلکه ویژگی‌هایی در درون او رشد می‌کند که او را از سطح پایه فرهنگی - اجتماعی که در آن رشد کرده، فراتر می‌برد. به این معنا که به سطح پیچیدگی اجتماعی - سیاسی و بداعت انسانی کافی دسترسی پیدا کرده و در مواجهه با نابسامانی‌ها فعال عمل می‌کند. عملکرد صحیح او نتیجه مهارت‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های فراگرفته از معلم است. معلمان نیز نیازمند آن هستند که از ایده‌های نوین آموزشی یا نظریه‌های غالب مطلع بوده و ابتدا خود از کاربران اصلی آن‌ها باشند.

۷-۴. ماهیت تربیت سیاسی کدام است؟

تربیت عبارت است از فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی - شناختی فرد. تربیت یعنی نشو و نما دادن انسانی که استعداد درونی بالقوه برای بالفعل شدن در او باشد. در تربیت سیاسی دومین واژه بعد از تربیت، سیاست است؛ زیرا سیاسی، یعنی منسوب به سیاست، سیاست به معانی حکومت، ریاست، داور، حفاظت، حراست و حکم راندن می‌باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۴). رابطه بین این دو در آن

است که: کیفیت تربیت سیاسی افراد جامعه بر نظام سیاسی حاکم تاثیر مستقیم داشته و متقابلاً آن نظام سیاسی، امر جامعه‌پذیری و تربیت سیاسی افراد را شکل می‌دهد. بر این اساس تربیت سیاسی را جذب و درونی کردن هنجارها و ارزش‌های نظام سیاسی جامعه بیان کرده‌اند و آن را به معنای پرورش، انتقال آزادانه و آگاهانه مهارت‌ها، ویژگی‌ها و آگاهی‌هایی دانسته‌اند که باعث رشد احساس مسئولیت و مشارکت فعال دانش‌آموزان در مسائل سیاسی شده و توانایی نقد، ارزیابی و نظارت بر مسائل سیاسی را به منظور صیانت حکومت‌ها از بروز انحرافات حاکمیتی ایجاد می‌کند.

۸. نتیجه‌گیری

باتوجه به نظریه پیچیدگی و اسلام، معلم باید کلاس را در حالت عدم تعادل جهت تحقق خودسازماندهی و نوپدیدی از طریق ایجاد خلاقیت در یادگیری با تعاملات مشارکتی و مذاکره‌ای و رویکرد مسئله‌محور در فراگیران جهت ایجاد روحیه استقبال از تغییر و ارتباط میان محتوای آموزشی با مسائل سیاسی جامعه و با تعاملات پیچیده با جهان هستی، ترغیب خودانتقادی، تأمل در عوامل محیطی از طریق بازگشت، ضرورت سازگاری میان منابع سه‌گانه دانشی، ارزشی و مهارتی در آموزش‌های لازم برای توانا ساختن فراگیران در ورود فعال به مشارکت‌های سازنده سیاسی مبتنی بر مصالح ملی و ایفای نقش در جامعه هدایت کند. این یافته‌ها با تحقیقات مشابه همسو است. در تحقیق کافی امامی و احمدی‌تبار (۱۴۰۲) به نقش‌های جامعه، حاکمیت و خانواده نیز اشاره شده است. ساماندهی ارتباطات اجتماعی - سیاسی و تقویت اخلاق مبتنی بر انسانیت و سیاست جز از طریق آموزش موثر و مفید میسر نیست، بلکه این مهم از طریق مشارکت فراگیران، هم‌آموزی و کشف، اصلاح در نوع نگاه به پدیده‌های اجتماعی، انعطاف در پذیرش امکان اشتباه، و آمادگی جهت تغییر قابل تحقق بوده که آن‌هم باید با آموزش از اوان کودکی و در سطح خانواده، و نیز با تحقق تغییر در مراکز آموزشی کنونی به منظور تغییر در آحاد جامعه همراه باشد که نتیجه عمل معلم کارآمد است. دانش‌آموز کارآمد می‌باشد که به تربیت شهروند خوب می‌انجامد و این شهروند خوب می‌تواند منشاء تغییرات، تحول و پیشرفت در سطح حاکمیت و جامعه خویش باشد و از منظر اسلام این برونداد دانش‌آموزی است که باید به تحقق انسان آرمانی عبد صالح منجر شود، تا بتواند زمینه شکل‌گیری جامعه‌ای صالح جهت تحقق مدینه فاضله با حاکمیت حقه امام عصر(ص) را بنا نهد. معلم خیر و کارآمد، دانش‌آموز کارآمد پرورش می‌دهد، و آن دانش‌آموزی است که نه تنها بر پایه فرهنگ و جامعه خود پرورش یافته، بلکه ویژگی‌هایی در درون او رشد می‌کند که او را از سطح پایه فرهنگی - اجتماعی که در آن رشد کرده، فراتر می‌برد. تربیت عبارت است از

فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی - شناختی فرد. بر این اساس، تربیت سیاسی را جذب و درونی کردن هنجارها و ارزش‌های نظام سیاسی جامعه بیان کرده‌اند و آن را به معنای پرورش، انتقال آزادانه و آگاهانه مهارت‌ها، ویژگی‌ها و آگاهی‌هایی دانسته‌اند که باعث رشد احساس مسئولیت و مشارکت فعال دانش‌آموزان در مسائل سیاسی شده و توانایی نقد، ارزیابی و نظارت بر مسائل سیاسی را به منظور صیانت حکومت‌ها از بروز انحرافات حاکمیتی ایجاد می‌کند.

۹. پیشنهادات پژوهش

معلم‌ان نیازمند اشراف بر نظریات و ایده‌های نوین آموزشی به‌روز، کارآمد و مبتنی بر فلسفه حاکم بر جامعه خویش هستند، تا بتوانند یادگیری را در هر دو جنبه رفتاری و شناختی معنا دهند. خود نیز از کاربران اصلی آن‌ها باشند، تا شاید این نظریه‌ها را تفسیر، منطبق و تلفیق نمایند، به گونه‌ای که در عمل بکار آیند. لازم است نهادها و متولیان امر بعد از غور در منابع و استحصال موارد سازگار با فرهنگ جامعه ایرانی اسلامی، و بومی‌سازی شیوه‌ها و راهکارهای استخراج شده، به مقتضای نیاز جامعه در جهت تحول و تغییر اقدام نمایند. توصیه‌های موکد بر توجه به اقتضانات و فرهنگ بدین سبب است که هیچ طرح یا برنامه درسی که مختص جامعه‌ای خاص باشد، در تعلیم و تربیت جوامع دیگر کارآیی نخواهد داشت؛ مگر بعد از تطبیق با قوانین، اعتقادات و تایید فلاسفه تعلیم و تربیت آن جامعه. کاربست رهیافت‌های برآمده از نظریه پیچیدگی، در شرایط ناپایدار تربیتی-سیاسی، با قید بومی‌سازی این رهیافت‌ها و انضمام آنها به رهنمودهای دینی، منجر به کارآمدی و بهره‌وری بیشتر سیستم آموزشی خواهد شد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابراهیمی، عظیمه و همکاران (۱۴۰۱). نگرش کواتومی به برنامه درسی، چشم‌اندازی دیگر در عمل برنامه درسی در هزاره سوم. *مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*.
- ابن شعبه حرانی (۱۳۶۳). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*. ترجمه احمد جنتی عطانی. تهران: علمیه اسلامیه.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۴). *درآمدی بر نظام تربیت اسلامی*. پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۵). کنکاشی در مبانی فلسفی تئوری پیچیدگی: آیا علم پیچیدگی صبغه پست مدرنیست دارد؟ *مدرس علوم انسانی*، ۱۰(۴۵): ۱۷۱-۲۱۰.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۹ ق). *مجمع البحرین*. کتابفروشی جاراللهی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید*. حقیقه و علق حسن الموسوی الخراسان. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۶.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). *الامالی*. قم: دارالثقافة.
- قنواتی، فاطمه؛ مشایخ، جواد (۱۴۰۱). بنیان‌های روش‌شناختی مطالعات تطبیقی سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری در ایران. *سیاست علم و فناوری*، ۱۵(۲).
- کافی امامی، مجید؛ احمدی‌تبار، احمد (۱۴۰۲). *ضرورت تربیت سیاسی فرزندان در اسلام*. *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴): ۱۵۱-۱۷۴.
- کلینی، محمد (۱۳۶۴). *الاصول من الکافی*. تهران: انتشارات دارالحديث، ج ۱-۲.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). *بحار الانوار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱-۲.
- محمدی چابکی، رضا؛ شعبانی ورکی، بختیار؛ جاویدی، طاهره؛ مسعودی، جهانگیر (۱۳۹۲). *استلزام‌های تدوین نظریه تربیتی در پارادایم پیچیدگی*. *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۵(۱): ۷۰-۴۷.
- محمدی ری‌شهری، محمد (بی‌تا). *العلم والحکمة فی الكتاب والسنة*. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷). *میزان الحکمه*. مترجم حمیدرضا شیخی. تهران: موسسه فرهنگی دارالحديث، ج ۸-۹.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). *گزیده (منتخب) میزان الحکمه*. تلخیص حمید حسینی؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ اشرف محمدکاظم طباطبائی. قم: موسسه فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۵). *درآمدی بر تربیت سیاسی در سیره معصومین*. *پژوهش‌های تربیت اسلامی*، ۲(۲).
- میسن، مارک (۱۳۹۴). *نظریه پیچیدگی و فلسفه تعلیم و تربیت*. ترجمه محمود تلخایی و رضا محمدی چابکی. پژوهشگاه مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- نجاریان، پروانه؛ محمودنیا، علیرضا؛ ضرغامی، سعید؛ یمنی، محمد (۱۳۹۲). *بررسی نظریه پیچیدگی و تبیین اشارات آن در*

مدیریت سازمان‌های آموزشی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۹(۷۶): ص ۱۵۲-۱۳۱.
نجاریان، پروانه (۱۳۹۴). تبیین مبانی فلسفی نظریه پیچیدگی و استدلالات آن در برنامه درسی. رساله دکتری، رشته فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی.

Araiza, J. (2023). Leading transformation within educational complexity. *International Journal of Complexity in Education*, 4(2). <https://doi.org/10.26262/ijce.v4i2.9815>

Clarke, V. & Braun, V. (2013). Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The psychologist*, 26(2): p. 120-123.

Jess, M., Atenciob, M. & Thorburna, M. (2011). Complexity Theory: Supporting Curriculum and Pedagogy Developments in Scottish Physical Education. *Sport, Education and Society*, 16(2); p. 179-199

Warr, M. & Mishra, P. (2023): Learning to see complexity: teachers designing amidst indeterminacy, Professional Development in Education. *International Journal of Complexity in Education*, 4(2).